بحران مقبولیت در ایالات متحده

عصر بی اعتباری

سیلوی کوفمن / ترجمه : حسین قنبری گرمی

اکنون نظام سیاسی آمریکا بیش از هر دوره دیگری در بحرانی بنام تنزل مقبولیت زمامداران گام نهاده است؛ با سقوط پل ولفوویتز، نماد دیگری ازنخبگان سیاسی آمریکای پس از حوادث ۱۱ سپتامبر فرو ریخت. رسوایی وی در رأس بانک جهانی با این که دلیلی شخصی داشت اما زمانی صورت گرفت که آمریکایی ها سعی در جلوگیری از تخریب چهره نظام سیاسی شان داشتند، چرا که در دوره رهبری جورج بوش به خاطر انحراف هایش، تصویر سیاهی از ایالات متحده در نزد جهانیان ارائه کرده و حتی وفادارترین متحدان را مبهوت کرده است.

به نظر کارشناسان، آسیب های کنونی نظام سیاسی ایالات متحده، راه بسیار درازی برای اصلاح شدن دارد. هنوز زندان گوانتانامو وجود دارد، نیروهای نظامی آمریکا بدون این که به راه حلی در بحران عراق رسیده باشند با اعزام نیروهای جدید بر دامنه تشنج افزوده است و تدابیر امنیتی موجود در آمریکا، این کشور را به سرزمینی نامناسب برای خارجی ها تبدیل کرده است.

اما پیروزی دموکرات ها در کنگره در نوامبر سال ۲۰۰۶ نقطه عطفی بود که نوعی اشتیاق افکارعمومی آمریکابه تغییر عمیق ذهنیت ها در زمینه های گوناگون را منعکس کرد. اگر مقامات ایالات متحده چشمانشان را پس از یک خواب طولانی باز کنند خواهند دید که امروز نه تنها اشغال عراق بلکه طراحان این سیاست و دلایلی که آنها برای اشغال اقامه می کنند زیر سؤال رفته اند.

با این توصیف می توان انتظار داشت که از این پس در صحنه سیاسی آمریکا چرخش ها بسیار تماشایی تر خواهد بود، جایی که نمایندگان دموکرات مانند هیلاری کلینتون که کاندیدای ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ شده است، در سال ۲۰۰۲ جزو مشوقان حمله به عراق بودند، اما در۲۰۰۶ با همین کارت جنگ عراق، موجب کاهش محبوبیت شدید بوش و شکست تاریخی جمهوری خواهان شدند.جدال برای تغییر سیاست جنگی بوش آنچنان اوج گرفته است که بسیاری از صاحبنظران، جنگ عراق را جنگ میان بوش و اکثریت دموکرات ها تعبیر کرده اند.

اما اکنون بوش بیش از هر زمان دیگری در موضع دفاعی قرار گرفته است زیرا بیشتر طرفداران نئومحافظه کارش که طراحان اصلی حمله به عراق بودند، مانند پل ولفوویتز و داگلاس فیث، دولت وی را ترک کرده اند. عده ای دیگر مانند فرانسیس فوکویاما که درفردای ۱۱ سپتامبر به اتفاق روشنفکران لیبرال، خواهان توسل به زور بر ضد مخالفان آمریکا شدند اکنون منکر حرف های خود شده اند و سرانجام گروه سومی مانند ریچارد پرل، دست های خود را به نشانه تسلیم در برابر انتقادات شدید و موج مخالفت افکار عمومی و نخبگان آمریکا بالا برده اند.

دیک چنی معاون بوش هم که در گذشته قدرت کاملی به شمار می رفت (بویژه پس از محکومیت رئیس دفتر سابقش یعنی لوئیس اسکوتر لیبی، به خاطر نقشش در بی اعتبار کردن مخالفان جنگ عراق) بسیار تضعیف شده است. جان بولتون سفیر آمریکا در سازمان ملل فراخوانده شد، دونالد رامسفلد وزیر دفاع، پس از شکست انتخاباتی سال ۲۰۰۶ قربانی شد و جانشین اش رابرت گیتس نیز تفاوت چندانی با وی ندارد. گیتس نیز که از کنگره خواسته است تا وی را در یافتن راه حلی برای بستن گوانتانامو کمک کنند با نخستین رسوایی خود در مداوای مجروحان جنگی در بیمارستان های نظامی روبه رو گشت و مجبور شد تا مسئولان این رسوایی را مجازات کند، کاری که رامسفلد پس از فجایع ابوغریب از انجام آن امتناع ورزید.

دراین فهرست بلند، نمی توان ازنام ونقش جرج تنت رئیس سابق سیا، سخنی نگفت که به تازگی در کتابی، با نسنجیده و کورکورانه خواندن اقدامات چنی و اطرافیانش، اشتباهات آنان را در حمله به عراق افشا کرده است.

بدون شک، توجیه حمله به عراق و اصرار بر ادامه یک راه اشتباه، منشأ این بحران مقبولیت و عامل شدیدترین انتقادات بر ضد هیأت حاکمه آمریکاست. اگر افشای حقایق در مطبوعات گاهی جنبه انتقام به خود گرفته باشد امری تصادفی نیست. رسانه ها نیز که در جنگ عراق حقایق را تحریف کرده بودند اکنون به دنبال کسب اعتبار از دست رفته خویش هستند.به همین دلیل عطش افشاگری دررسانه های امروز آمریکابسیار بالاست. هرروز آنها با پخش چند خبر داغ از زندان های مخفی سیا و یا رسوایی بیمارستان های نظامی آمریکا در این مسیر گام برمی دارند. پژوهشگران و مؤلفان سیاسی نیز در کتاب ها به نوبه خود دروغ بزرگ سلاح های کشتار جمعی عراق را هر روز حکایت می کنند.

نکته جالب این جدال این است که همه نمادهایی که زمانی پس از ۱۱ سپتامبر مقدس شمرده می شدند، اکنون به چالش کشیده شده و مورد حمله قرار گرفته اند. دیگر از زمانی که تونی بلر آشکارا عبارت «جنگ بر ضد ترور» را کنار گذاشت، تابویی برای انتقاد از این مفهوم وجود ندارد.

در این بازنگری تاریخی، اقدامات قضایی پس از ۱۱ سپتامبر به بهانه مبارزه با تروریسم و اثرات این اقدامات بر آزادی های فردی مورد مخالفت افکار عمومی ونقدنخبگان قرار گرفته است. به طوری که در جلسه ای در بروکسل (در اواخر آوریل) که از سوی مرکز تحقیقات آمریکایی «ژرمن مارشال فوند» برگزار شد، استفان برير، قاضی دادگاه عالی، که در گذشته بسیار محافظه کار بود، این بار به طور آشکارا مخالفت خود با اقدامات بوش در رابطه با نقض آزادی های فردی را اعلام کرد و گفت: «ما باید قانونی بسیار قاطع برای دفاع از آزادی های فردی داشته باشیم».

در همان جلسه،یکی از اساتید حقوق دانشگاه جرج تاون وانشگتن اظهار داشت که مردم دیگر تدابیر و محدودیت های اعمال شده برای مبارزه با تروریسم را نمی پذیرند و باید به فکر تدوین قوانین بلند مدت بود. دادستان آلبرتو گونزالس که نقشی اساسی در توجیه قضایی شکنجه ها و بازداشت بدون محاکمه متهمان به اقدامات تروریستی داشت، تازه ترین مصداق از مؤاخذه کارگزاران حکومت است که پس از لغوویتز در کانون انتقاد کنگره و افکارعمومی واقع شده است.

تنها کاندولیزا رایس که در بطن تصمیم های سال ۲۰۰۳ آمریکا قرار داشت توانست از این معرکه فرار کند، اما به چه قیمتی و تا کی؟ زیرا قطار اقدام های دولت بوش دیگر نخواهد توانست مسافرانش را به سلامت به مقصد برساند.

منبع : لوموند

مشاهدات گزارشگر اعزامی شبکه تلویزیونی استرالیا

یک روز با یهودیان ایران

ترجمه و تنظیم : آزاده حاج اسفندیاری

زندگی اقلیت های دینی ایران، سوژه ای جذاب برای دو گروه افکار عمومی و سیاستمداران جهان غرب بوده است. این دو گروه از دو منظر متفاوت پیگیر زندگی یهودیان و مسیحیان ایران بوده اند. افکار عمومی همواره طالب شناختی تازه از شرایط اجتماعی و حقوق سیاسی همکیشان خود بوده اند اما طیف سیاستمداران از دریچه منافع و علایق سیاسی خویش این موضوع را در دستور کار قرار داده اند.

در نهایت این سیاستمداران و دولتمردان بوده اند که قضاوت خود درباره وضع اقلیت های دینی ایران را بر کرسی نشانده اند. دست کم پرونده ۳۰ ساله بحث حقوق بشر در مغرب زمین، این واقعیت را بیان می کند که قاطبه افکار عمومی در فضای سیاست زده ایران و غرب، هیچ گاه مجال آن را نیافته تا زندگی اقلیت های دینی ایران را به دور از حب و بغض ها و ملاحظات سیاسی نظاره کند و نتیجه این یکسویه نگری، آن شده که تصویر رایج جهان مسیحی از زندگی پیروان ادیان را نه بافته ها و مشاهدات محققان و سیاحان که گزارش ذهنی دیپلمات های مقیم اروپا و آمریکا شکل داده است. بنابراین چندان جای شگفتی نیست که هر روزنامه نگار و گزارشگر اروپایی یا آمریکایی که به انگیزه یافتن تصویری از زندگی اقلیت های دینی در محله ها و مناطق هموطنان آشوری و ارمنی و زرتشتی گام می نهد با احساسی از حیرت و شگفتی گزارش خود را به پایان برد.

شالوم سلام ، گزارشگر شبکه تلویزیونی استرالیا است که درمامور یتی برای تحقیق از زندگی جامعه یهودیان ایران به میان این گروه از هموطنان می رود، او که با ذهنی پراز سؤال و بدبینی سفر تحقیقی خود را شروع می کند در پایان به پاسخ هایی از زبان خود یهودیان ایران می رسد که شنیدنی است. گزارش این خبرنگار به صورت فیلم مستند پخش شده که متن پیاده شده این فیلم اکنون پیش روی شما است.

● گروه بین الملل

انتظار می رود جمهوری اسلامی ایران، آخرین کشوری باشد که یهودیان ساکن آن با آزادی کامل به شعائر دینی خود عمل می کنند. محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، می گوید: جامعه یهودیان ایران بزرگترین جامعه یهودی ساکن خاورمیانه و خارج از خود اسرائیل است.

برون وین (Bronwyn Adcock) گزارشگر شبکه تلویزیونی دیت لاین استرالیا در مأموریت خود در ایران در یک مراسم مذهبی مربوط به یهودیان در کنست شرکت کرده است.

گزارشگر : برون وین ادکک

امشب در یک ساختمان قدیمی و بسیار ساده واقع در مرکز تهران، رویداد مهمی در حال وقوع است. عده ای از یهودیان ایران، به منظور یادبود داستانی باستانی ، در حال برگزاری جشنواره پوریم (Purim) هستند. این برنامه ثابت می کند سابقه یهودیان در ایران از قدمتی ۲۵۰۰ ساله برخوردار است.

هارون یاشایی، رهبر جامعه یهودیان می گوید: «در حقیقت ایران موطن فرهنگی یهودیان است و جالب است اضافه کنم که تعداد مکان های مربوط به یهودیان در ایران، بیشتر از مکان های موجود در اسرائیل است.»

گزارشگر : نزدیک به ۳۰ سال است جامعه یهودیان ایران در جمهوری اسلامی ایران زندگی می کنند.

روبرت خالدر، عضو انجمن کنست معتقد است پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ برای هواداران دین یهود بسیار خوب بوده است. او می گوید: دستاورد مهم انقلاب اسلامی برای یهودیان ساکن ایران، مذهبی تر شدن آنهاست. ظاهراً مردم با زندگی در یک جامعه مذهبی، بیشتر به سمت اعتقادات و شعائر مذهبی گرایش پیدا می کنند تا یک جامعه غیرمذهبی.

گزارشگر : یهودیان ساکن ایران بیشتر ترجیح می دهند زندگی بی سر و صدایی داشته باشند و از تفتیش خبرنگاران خارجی در مورد وضع زندگی خود در یک کشور مسلمان چندان خوش شان نمی آید. روبرت از جمله افرادی است که حاضر می شود با من صحبت کند، او می گوید: من نمی دانم که چرا پاسخ این پرسش ها برای شما اینقدر اهمیت دارد. ما در ایران به راحتی زندگی می کنم و تمامی مراسم مذهبی، سنتی و فرهنگی خود را با آزادی کامل برگزار می کنیم. اما همان طور که گفتم امکان دارد این مسائل در خارج از ایران و بویژه کشورهای غربی نشان داده نشوند.

گزارشگر : با توجه به دشمنی دولت ایران با دولت اسرائیل، حضور یک جامعه یهودی در ایران اساساً غرب را شگفت زده کرده است و در این میان بحث های مربوط به هولوکاست، یهودیان ساکن ایران را در مرکز توجه دنیا قرار داده است. موریس معتمد نماینده یهودیان در مجلس، فردی است که در درجه اول خود را یک ایرانی و سپس یهودی می داند. وی آزادی عمل یهودیان را به این صورت بیان می کند که در زمینه موضوع هولوکاست دیدگاهی متفاوت از نگاه برخی مسئولان مطرح کرده است.

گزارشگر : موریس معتمد می گوید: با وجود مجادلات و اختلاف نظرهایی که به وجود آمد، سیاستمداران ایرانی دیدگاه واحد درباره مباحثه مناقشه انگیز یهودیان ندارند.

نماینده یهودیان می گوید: خوشبختانه تا به حال هیچ تهدیدی علیه امنیت جامعه یهودی وجود نداشته و دلیل اصلی آن این است که سیاست کلی جمهوری اسلامی هرگز ضدیت با یهودیان را دامن نزده است و امیدواریم این سیاست در آینده نیز ادامه داشته باشد.

گزارشگر : این روزها شاهد گزارش های متعددی از رفتارهای خشونت آمیز میان اقلیت های دینی از جمله یهودیان در بعضی از کشورهای اروپایی هستیم، در حالی که تمامی شواهد و مدارک نشان می دهند در ایران مسلمانان و یهودیان با یکدیگر رفتاری بسیار دوستانه دارند و وجود یک بیمارستان یهودی در جنوب تهران به خوبی گویای این حقیقت است. این بیمارستان یکی از ۴ بیمارستان خیریه یهودیان دنیا و ظاهراً یکی از بهترین بیمارستان های ایران نیز است و من همراه یک مرد مسلمان که نزدیک به دو دهه است که در این بیمارستان کار می کند، از قسمت های مختلف آن دیدن کرده ام. به بخش مراقبت های ویژه (I.C.U) می رسیم. یهودیان و مسلمانان، بیماران و کارکنان این بخش را تشکیل می دهند. فرنگیس که یک یهودی است مسئول رسیدگی بخش است.

فرنگیس هسیم می گوید: ما از هر کسی که به اینجا می آید فقط در مورد بیماری و ناراحتی و اسؤال می کنیم و هیچ کاری با عقاید، مذهب و ایدئولوژی او نداریم. او تأکید می کند که بیش از ۹۵ درصد بیماران ما غیریهودی هستند.

– گزارشگر : بودجه این بیمارستان در اصل به وسیله یهودیان داخل و خارج از ایران تأمین می شود، اما اخیراً دولت آقای احمدی نژاد کمکی به مبلغ ۲۵ میلیون تومان – معادل ۳۲ هزار دلار – به این بیمارستان کرده است.

دکتر سیامک مرسدق رئیس بیمارستان می گوید: رقم این کمک مهم نیست اما نفس این اقدام برروی ما تأثیر فرهنگی دارد و دولت با این کار خود نشان می دهد خواستار پابرجاماندن و فعال بودن این بیمارستان است.

– گزارشگر : درواقع این اقدام در بردارنده یک پیام مثبت نیز هست؟

دکتر مرسدق :

بله. این پیام مثبت به ما می گوید اوضاع بدنیست و هیچ مشکل خاصی میان جامعه یهودیان ایران و سایر اقوام و نیز دولتمردان ایران وجوندارد.

– گزارشگر : یهودیان در سراسر تهران، حضوری پراهمیت و تاحدی محتاطانه دارند. در این ساختمان کتابخانه ای وجوددارد که در آن کتاب های مختلفی به زبان های فارسی و عبری یافت می شود و در قسمتی از کتابخانه نیز تصویر آیت الله خمینی (ره) به چشم می خورد. کمی آن سو تر تمثالی منتسب به حضرت موسی(ع) قرارگرفته است. همچنین در این منطقه یک قصابی و یک رستوران نیز گوشت ذبح اسلامی را به مردم عرضه می کند.

سعی می کنم تا با بعضی از جوانان یهودی ایران که معتقدند غربی ها برداشت های غلطی از کشور آنها دارند صحبت کنم. زنی می گوید: غربی ها تصور می کنند ایران کشوری عقب مانده و توسعه نیافته است. اما واقعیت این نیست. در همین هنگام یک عضو جامعه یهودیان سعی می کند مصاحبه ما را تکمیل کند. او درعین توضیحات اش، به مترجم ما یادآوری می کند که فرصت مقرر ما برای ضبط برنامه از انجمن رویه پایان است.

– گزارشگر : گفته می شد در ایران آزادی بیان وجوندارد، گزارش وزارت خارجه آمریکا متذکر شده است که یهودیان ایران از صحبت کردن در مورد وضع ناخوشایند خود اکراه دارند. اما موسی بابا، فروشنده معروف عتیقه جات که ساکن تهران است نمونه عالی برای رد این ادعا است که یهودیان ایران از درجاتی از آزادی برخوردارند که برای بسیاری از غربی ها شگفت انگیز است. طوری که در سال های اخیر، یهودی هایی مانند بابا، آزادانه از اسرائیل دیدن کرده اند.

> بسیاری از یهودیان ایرانی، آزادانه به کشورهای دیگر سفر می کنند، آمار و ارقام نشان می دهند تعداد یهودیانی که برای همیشه ایران را ترک می کنند رو به کاهش است. با وجود این که فرزندان و نوه های موسی بابا در اسرائیل زندگی می کنند، او معتقداست که وطن اصلی اش ایران است

موسی بابا: برخی مسئولان حتی روزهای شنبه به کشور ما آمده و به ما گفته اند: «شما می توانید هروقت که خواستید به اسرائیل سفر کنید» و به ما اطمینان خاطر می دهند که هیچ مشکلی ما را تهدید نخواهدکرد و من هرسال به کشورهای ترکیه، اسرائیل و آمریکا سفر می کنم.

– گزارشگر : بسیاری از یهودیان ایرانی، آزادانه به کشورهای دیگر سفر می کنند، آمار و ارقام نشان می دهند تعداد یهودیانی که برای همیشه ایران را ترک می کنند رو به کاهش است. با وجود این که فرزندان و نوه های موسی بابا در اسرائیل زندگی می کنند، او معتقداست که وطن اصلی اش ایران است.

موسی بابا: من عاشق ایران هستم. به دلیل این شیفتگی به میهن سفر من به خارج از کشور تنها ۲۰ روز طول می کشد. مسلمانان ایران، مردمانی فوق العاده و منحصر به فرد هستند. آنها انسان هایی با ایمان و خداترسند که احترام زیادی به من می گذارند.

– گزارشگر : آیت الله خمینی(ره)، رهبر انقلاب اسلامی ایران، به طور شگفت انگیزی زمینه را برای حمایت از یهودیان در ایران فراهم کرد. هارون یاشایی، رهبر جامعه یهودیان است که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ با امام خمینی(ره) در تماس بوده است.

هارون یاشایی: دیدگاه صریح و خالی از ابهام امام (ره) بر این اصل استوار بود که صهیونیسم یک ایدئولوژی سیاسی است و به همین جهت ایشان مخالف صهیونیسم بودند، اما درمقابل، یهودیت را یک مذهب می دیدند و به آن احترام می گذاشتند.

یهودیان ایران، براساس اندیشه امام خمینی(ره)، شهروندان ایران هستند و حقوق آنها به عنوان یک ایرانی همانند سایر ایرانیان قابل احترام است.

– گزارشگر : مطمئناً یهودیان ایرانی نسبت به اقلیت های مذهبی دیگر زندگی بهتری دارند. اما موریس معتمد نماینده مجلس می گوید: تبعیض در هر جامعه ای وجوددارد.

او می گوید: اگر شما بخواهید حقوق اقلیت های مذهبی را مقایسه کنید شاید در اینجا هم تفاوت هایی وجودداشته باشد. اما در این سال ها بعضی این تفاوت ها را با موفقیت از میان برده ایم و به دنبال یافتن راه حل های دیگری برای سایر تفاوت ها هستیم.

– گزارشگر : یکی ازاین تفاوت ها و وکلای یهودی مربوط می شود. باز در همین چارچوب نماینده یهودیان امیدوار است که با اصلاحات قوانین مدنی یهودی ها هم بتوانند در پست های حساس ارتقا یابند و یا در بعضی از وزارتخانه های دولتی نیز برای رسیدن به سطوح بالاتر مدیریتی به مشکل برخورد نکنند.

– گزارشگر : درباره نگاه ایران به حوادث اسرائیل و وقایعی که به مرگ فلسطینی ها یا یهودیان منجر می شود، می پرسم و معتمد می گوید: به عنوان نماینده جامعه یهودیان در مجلس همیشه مخالف اعمال خشونت و کشتار مردم بی گناه بوده ام.

– گزارشگر : از نظر شما، یا هریهودی ایرانی دیگر، حمایت اسرائیل کاملاً غیرممکن به نظرمی رسد؟

معتمد: سیاست خارجی ایران، اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد. در هرحال، ما بخشی از جامعه ایران هستیم و موافق سیاست های دولت ایران هستیم.

– گزارشگر : شاید برای غربی هایی که سابقاً شاهد تضاد و کشمکش میان یهودیان و مسلمانان ساکن فلسطین بوده اند، تصور زندگی سرشار از خوشحالی یهودی ها در یک کشور مسلمان عجیب باشد. اما این مسأله در ایران غیرعادی به نظرنمی رسد.

هارون یاشایی : هیچ کس نمی گوید من مسلمانم و تو یهودی هستی. پیوند فرهنگی ایران با یهودیان از پیوند با سایر مسلمانان محکم تر است. وجوه اشتراک مسالمت آمیز میان دین یهود و اسلام نزدیک تر از سایر ادیان است و اعتقادات دین یهود و دین اسلام با هم در نظمی کامل به سر می برند.

فرجام اندوهبار یک رفاقت

دیدگاه تونی بلر مبنی بر تشکیل یک جامعه بین المللی قوی تر، او را وادار به حمایت از بوش در جنگ عراق کرد. تاریخ برای همیشه، بلر نخست وزیر بریتانیا را با توجه به پیشینه قتل عام در عراق به جورج بوش رئیس جمهور آمریکا پیوند خواهد زد. با وجود موفقیت های درخشان بلر در شکل دهی مجدد و احیای حزب کارگر، شکست او در عراق بر تمام دستاوردهایش سایه خواهد انداخت.

سفر بلر به واشنگتن و دیدار دو جانبه او با بوش برای چند روز تناقض های موجود در همکاری آن ها را تحت الشعاع قرار داد.

بوش و بلر با شرکت در جنگ عراق، کاری مغایر دیدگاه اذهان عمومی انجام دادند. مدت ها قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر، بلر گفته بود که هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل تمامی مشکلات جدی قرن بیست ویکم نیست و دنیا تنها با همکاری بین المللی می تواند با مشکلاتی مانند گرم شدن کره زمین و تروریسم جهانی مقابله کند.

بلر در سخنرانی مهم خود در ۱۹۹۹ در کلوپ اقتصادی شیکاگو تأکید کرد که هم اکنون همه ما چه بخواهیم و چه نخواهیم اینترناسیونالیست هستیم و آرزوی رسیدن دنیا به پیشرفت وثبات در گرو اتحاد در پرتو دکترین جدیدی درباره بین المللی است.

از نظر بلر، همه فعالیت های بین المللی علیه صدام، شکل تحقق یافته همین همکاری و اتحاد بین المللی است. بلر پیش از آغاز جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، حمله به عراق را فرصت مناسبی برای مبارزه با تروریسم را بود تا با کمک آن ثابت کند که با اتحاد می توان قوانین جهانی را عملی کرد.

بوش که از حمایت بلر استقبال کرده بود، در مورد عراق افکار دیگری در سر می پروراند. او معتقد بود که انگیزه حمله به عراق هر چه که هست، هدف اصلی اش نمایش پیامدهای ناشی از تهدید سرمایه آمریکا بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر است و از نظر بوش جنگ عراق در حکم

هشدار برای کشورهای مخالف او است و این که محدودیت ها و اعمال فشار بر فعالیت های آمریکا نه تنها غیرضروری، بلکه بی ثمر نیز است.

حتی بعد از جنگ عراق نیز بلر از موضعه کردن و برشمردن فضایل جامعه بین المللی که در جست وجوی ارزش های جهانی است، دست برنداشت. اما او که در مورد استراتژی عراق با بوش متحده شده بود، توانایی خود را در گسترش جامعه بین المللی تضعیف و در طول جنگ و بعد از آن نیز دنیا را از خود بیزار کرد و در حساس ترین لحظات نیز اینترناسیونالیسم جامع خود را در برابر سیاست یک طرفه بوش پاکسازی نمود.

در زمانی که بلر به تدریج از قدرت کناره گیری می کند، طرح این پرسش منطقی خواهد بود که آیا رهبران سیاسی متمایل به چپ همقطار او در سراسر دنیا، از جمله دموکرات های آمریکایی، می توانند از میان ویرانه های باقی مانده در عراق و از درون دیدگاه های بلردر مورد جامعه بین المللی چیز باارزشی استخراج کنند. پاسخ این سؤال می تواند مثبت باشد، اما تنها بعد از کاوش های محتاطانه در میان ویرانه ها. با نگاهی به گذشته می توان دید که سخنرانی بلر در شیکاگو دربردارنده نکات روشنگرانه ای بود که به توضیح شکست او در پیش بینی خطرهای جنگ عراق کمک می کرد.

سخنرانی وی بر مبنای دخالت های آمریکا در بوسنی و کوزوو تنظیم شده بود. وی درباره جنگ عراق از تعیین نیت خود و بوش و محق بودنشان در تعیین حق و حقوق برای دنیا سخن گفت. اما دیدگاه بلر فاقد درک درست از جایز الخطا بودن انسان و ملت هایی بود که از نظرات مربوط به سیاست خارجی وافع گرایانه دوره جنگ سرد مانند رینولد نایبور پیروی کرده بودند.

جنگ عراق این نقطه کور در دیدگاه بلر را فاش کرد. بنابرپیش بینی نایبور، جنگ اثبات کرده که همواره در توانایی ما به منظور ساختن سایر جوامع یا حتی پیش بینی کامل عواقب اعمال ما محدودیت هایی وجود دارد. برای بلر، آغاز جنگ عراق به نوعی کامل کننده تمامی اشتباه های قبلی او بود. بلر تصمیم خود مبنی بر حمله به عراق را بدون تأیید جامعه جهانی گرفته بود و با این اقدام خود با این چالش فکری مواجه شد که دیدگاه خود در مورد همکاری جامعه بین المللی را با تصمیمی که در مورد جنگ عراق گرفته بود، هماهنگ کند.

او در این چالش فکری از این منطق افسر نیروی نظامی آمریکا در جنگ ویتنام استفاده کرد که گفته بود برای نجات یک روستا بهتر است آن را ویران کنیم. بلر می گفت که اگر اتلاف به رهبری آمریکا – از آنجایی که قادر به کسب اجازه سازمان ملل نیست.– از اقدام خود علیه عراق خودداری کند، عجز و ناتوانی جامعه بین المللی آشکار خواهد شد.

بلر در آخرین سخنرانی اش پیش از آغاز جنگ در پارلمان گفت این محدودیت بیشترین ضربه را در آینده به قدرت سازمان ملل خواهد زد.

به عبارت دیگر، بوش و بلر تنها با بی احترامی به سازمان ملل قادر به حفظ اتحاد اقدام های جمعی بین المللی اند. این بحث و گفت وگو به نحو بارزی اشتباه از آب درآمد. فقدان حمایت بین المللی و نبود مشروعیت جنگ به شدت کاربازسازی مجدد عراق را دچار مشکل کرد و تشدید جنگ میان آمریکا و دنیا سبب از بین رفتن هدف بلر در بسیج جامعه جهانی علیه سایر تهدیدهای چندملیتی شد. همان گونه که انتظار می رفت، با نادیده گرفتن افکار جهانی، هیچ راهی برای بهبود همکاری بین المللی باقی نمانده است.

بلر بهتر از هر کسی از تراژدی همکاری خود با بوش در جنگ عراق آگاهی دارد. نکته طنزآمیز همکاری آنها آن سیاست خارجی عمل گرایانه تری را دنبال خواهد کرد، آن هم نه با فراهم کردن یک الگوی رقابتی، بلکه با ارائه ارزش های جایگزین.

منبع: لس آنجلس تایمز